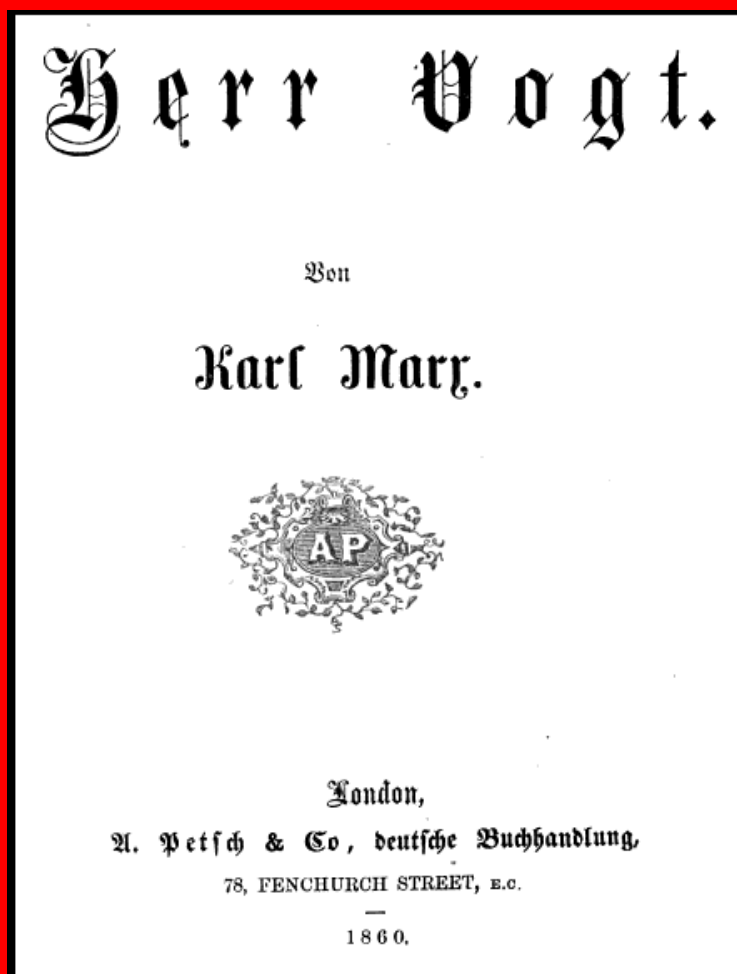


# بی اعتبار کردن انقلابیون تتها در خدمت منافع دولت سرمایه



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

بورژوازی با توسل به دستگاه عظیم تبلیغاتی و به همراه ایدئولوگ هایش همواره در تلاش بوده است تا تصویری بربر گونه از کمونیسم ارائه دهد، وانمود کند هر گونه تلاش برای براندازی سرمایه داری، هر گونه تلاش برای برقراری جامعه بدون طبقه، به گولاگ و رژیم ترور تجسم یافته در بلوک شرق سابق منتهی خواهد شد. دستگاه های تبلیغاتی بورژوازی در کمپین خود به دروغ، لجن پراکنی، تهمت، جعل تاریخ، خلاصه به هر ابزاری متوسل شده و می شوند، سیاه را سفید می کنند تا تصویر توحش وار از کمونیسم جلوه دهند.

در کنار دستگاه های تبلیغاتی بورژوائی ما شاهد نوع دیگری از بی اعتبار کردن کمونیستها و انقلابیون هستیم. جانورانی پیدا می شوند تا لنین را جاسوس آلمان معرفی کنند، برای تروتسکی اسناد جاسوسی پیدا می کنند، مارکس را یهودی می کنند، به مارکس شنیع ترین تهمت ها را میزنند، کشف می کنند که جریان کمونیست بین المللی توسط سازمان سیا ساخته شده است و ... میتوان این لیست را بسیار طولانی کرد.

این افراد خود را منتقد رادیکال نظم موجود جلوه میدهند، اما ویژگی اینها بی هویت بودن آنها است. آنها بعنوان افراد حقیقی ظاهر نمی شوند. آنها در صفحات فیسبوکی، در فورم های مباحثه، در وبلاگ ها، در شایعه پراکنی ها که منبع آن مشخص نیست و غیره با اسامی مختلف و به اشکال مختلف به فعالیت های مخرب خود، با زبان لومپنی مشغولند. مثل ویروس ها می توانند مدت زمان طولانی غیر فعال باشند و در شرایط ضروری فعال باشند و هر موقع هم لازم شد اسم را عوض می کنند. این افراد را به هر زبانی و در هر کشوری می توان پیدا کرد.

این افراد نقد نمی کنند، چرا که برای نقد کردن باید زحمت کشید و جدی بود، بلکه فقط دروغ، تهمت، افترا، شایع پراکنی، لجن و ... پخش می کنند، در ضمن نقد مواضع سیاسی، به روشن شدن فضای سیاسی منتهی می شود. در نقد مواضع سیاسی، اولاً شخص یا جریان سیاسی باید زحمت نقد کشیدن به خود بدهد، ثانیاً شخص با نقد خود نشان میدهد کجای این دنیای وارونه ایستاده است.

هدف این افراد ایجاد فضای ناامن سیاسی، بدبینی به سازمان های سیاسی و انقلابی، ایجاد فضای عدم اعتماد و در یک کلام بی اعتبار کردن انقلابیون است. یکی از معروفترین اینها «آقای وگت» بود که جرات کرده بود با هویت حقیقی خود، شایعه پراکنی کند و به مارکس تهمت بزند تا مارکس را بی اعتبار کند. ادعا کرده بود مارکس جاسوس پلیس مخفی آلمان است که به هزینه یک عده انسانهای مسخ شده، زندگی مرفه ئی در انگلستان دارد. او ادعا کرده بود چگونه ممکن است، هر کسی به مارکس نزدیک می شود یا دستگیر می شود یا کشته، در صورتی که او در انگلستان مشغول عیاشی است. مارکس طی نوشته ای تحت عنوان «آقای وگت» با قاطعیت ضمن افشای شخصیت قلابی وگت به دفاع از حرمت انقلابی خویش پرداخت. جو فضای سیاسی پس از انتشار نوشته مارکس عوض شد، بعداً نیز اسناد پول گرفتن وگت از ناپلئون علنی شد. صد سال قبل نیز بلشویک ها به تهمت کثیفی که آکسینسکی به لنین روا داشته بود چنین پاسخ دادند:

"اتهام شگرفی بر رفیق لنین وارد آمده است - که او برای فعالیت‌های تبلیغاتی‌اش از منابع آلمانی پول دریافت می‌کرده و هنوز هم می‌کند. روزنامه‌ها هم اکنون به تبلیغ این تهمت عظیم دامن می‌زنند. اعلامیه‌های مخفی اکنون به چاپ نظر نماینده سابق آکسینسکی (Aleksinsky) [نماینده سوسیال دموکرات در دوما دوم] پرداخته‌اند [آکسینسکی گفته بود که بنا بر اعتراف یک مأمور آلمانی لنین هم جاسوس بوده است]. درخواست‌هایی برای کشتار بلشویک‌ها به گوش می‌رسد. فهرست اسامی اشخاصی که باید اعدام شوند هم اکنون در دست سربازان فریب خورده است. هدف روشن است: ضد انقلاب می‌خواهد که با کاشتن تخم بدبینی در دل توده‌ها و با تحریک آنان علیه محبوب‌ترین رهبرانشان - این مبارزان صدیق انقلاب - انقلاب را به ساده‌ترین نحوی گردن زند. ما به این وسیله اعلام می‌کنیم که هر چیزی که در باره وابستگی پولی و یا سایر وابستگی‌ها بین رفیق لنین و طبقات حاکم آلمان گفته می‌شود دروغ و تهمت است. آکسینسکی، مبتکر این ماجرا، مفتری بدنامی است که یک سلسله از افراد را به قبول رشوه از آلمانی‌ها متهم کرده است... همه جوانب این واقعه باید روشن شود. و این تحقیق همه مردم را متقاعد خواهد ساخت که کوچکترین خدش‌های بر شرافت انقلابی رفیق لنین وارد نیست." [۱]

بی اعتبار کردن انقلابیون به اشکال متفاوت، یک پدیده جدید نیست، از زمان مارکس به چنین شیوه‌های کثیفی متوسل شده‌اند. نباید اجازه داد چنین افرادی با منش لومپنی فضای سیاسی را مسموم کنند، نباید آنها را جدی گرفت، بلکه باید افشایشان کرد. چنین افرادی در فضای حقیقی و به شکل شخصیت‌های حقیقی نمی‌توانند عملکرد مخرب خود را ادامه دهند، در فضای مجازی از شرایط بهتری برای مانور دادن برخوردار هستند. اثر ارزشمند ویکتور سرژ تحت عنوان «آنچه که هر انقلابی باید درباره سرکوب دولتی بداند» [۲] برای درک نقش مخرب چنین افرادی اهمیت حیاتی دارد. عملکرد مخرب این اشخاص در خدمت مسموم سازی فضای سیاسی و در خدمت دولت سرمایه است.

فیروز اکبری

۱۳ شهریور ۱۳۹۷

یادداشتها:

[۱] <https://www.marxists.org/farsi/history/sosyal-demokrasiye-roosiyeh/eteham-be-lenin.htm>

[۲] <https://www.marxists.org/archive/serge/1926/repression/index.htm>